

در برابر این بازی، سفره ساده ایرانی، چیزی بیش از یک میز غذاست؛ بیانیه آرامش است. یک کلاس کوچک برای یادگرفتن قناعت، احترام و برکت. لقمه‌ای که با یاد خدا پخته شود، بیشتر از تغذیه انرژی، تغذیه معناست.

اینجاسفره‌ی ایرانی، یک مقاومت آرام است؛ یک ایستادگی لطیف. مثل همان فلسفه‌ای که انقلاب اسلامی با آن دنیا را تکان داد: سادگی، ایمان، و شعور خدمت. آن نان سنگک ساده کنار دیگ برکت، هنوز بوی پیروزی می‌دهد؛ چراکه یادمان می‌اندازد انقلاب یعنی پختن آینده با حرارت محبت مردم.

و جوان انقلاب ۵۷، مثل حضرت علی اکبر (ع)، دمنوش امید و ایمان یک نسل بود! بود تا پدرش بماند، تا عطر حقیقت ایمان درد نیا بیچد.

جوان امروز هم همین‌طور؛ باید بلد باشد چای امید بسازد در آشپزخانه‌ی جهان.

تا روزی که صاحب اصلی از راه برسد و عطر عدالت هم خوراک جسم شود هم روح.

گاهی باید در حین پخت غذا، آدم به چیزهای جدی‌تر فکر کند؛ اینکه این قابلمه کوچک تمرین ساختن جهان است؛ جهانی که در آن هرکس برای دیگری به اندازه عشق خودش زحمت می‌کشد.

این شماره مجله گرچه ظاهراً درباره آشپزی و خوراک است، ولی در عمقش حرف از تربیت انسان دارد. درباره اینکه چطور غذا ممکن است ایمان بیاورد! درباره اینکه آشپز مؤمن، فقط طبخ جسم نیست، سازنده آرامش است.

خوشا کسی که بلد است با یک لبخند، سفره‌ای بچیند که در آن طعم برکت و معنا با هم چشیده شوند. شاید راز آشپزخانه همین باشد: «جایی که انسان هم پا به زمین دارد، هم دل در آسمان.» گمانم فقط تورشد جوانی حرفم را می‌فهمی و بس ...

آشپزخانه فقط چند قابلمه و بخار و صدای قل‌قل نیست، یک مدرسه کوچک زندگی است؛ جایی که آدم نظم را می‌آموزد و عشق به دیگران و فکر کردن به آنان را تمرین می‌کند و یاد می‌گیرد.

بوی نان تازه و صدای کتری جوش آمده، بیشتر از آنکه گرسنگی را سیر کند، دل را آرام می‌کند. شاید راز همین باشد که: «غذا فقط سوخت بدن نیست، پیوند انسان با جهان است.»

در دنیایی که ذهن‌ها مدام مشغول توردش (اسکرول کردن) یا همان بالا و پایین کردن اطلاعات هستند، بد نیست کمی به لقمه‌هایمان فکر کنیم. هر لقمه، یا شکر است یا غفلت؛ یا تو را به خدا نزدیک‌تر می‌کند، یا دورتر. خوردن یعنی انتخاب، و انتخاب یعنی شخصیت.

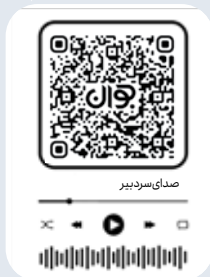
ما معمولاً خیال می‌کنیم آشپزی کار روزمره است، درحالی‌که پختن خودش نوعی «آفرینش» است؛ مثل خلاقیت در علم، هنر، یا حتی دوستی. وقتی با نیت محبت چیزی می‌پزی، انگار یک جهان کوچک پر نور می‌سازی در میان دود و طعم‌ها.

اما بیرون از خانه، در موج تبلیغات رنگارنگ، خوراک تبدیل شده به سلاح فرهنگی. از رنگ بشقاب تا مدل غذا خوردن، همه به دنبال عادت دادن ما هستند. بعضی نمانام‌ها (برندها) سلیقه را می‌فایند و ذوق را می‌مکند. آن‌ها نمی‌خواهند فقط خوراک بدهند؛ می‌خواهند ذهن بفروشند.

## غذای جان در آشپزخانه معنا



الهام مقیسه  
سردبیر مجله رشد جوان



صدای سردبیر